

«دنیا پُر از تئاترهایی است که در تئاتر ما نیست.»

«نگاهی به شکل و جنبش گروه نان و تئاتر عروسکی.»

کیورث مرادی

● نان و تئاتر عروسکی.

«چون لیتل وود» بینانگذار کارگاه تئاتر در دهه‌ی ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ در آمریکا جمله بسیار مشهوری دارد که «پیتروشومان» و گروهش «نان و تئاتر عروسکی» عملاً به تفسیر آن پرداخته‌اند او می‌گوید:

«دنیا پُر از تئاترهایی است که در تئاتر ما نیست.»

«پیتروشومان» در آلمان به دنیا آمد و در ۱۹۶۱ به آمریکا رفت. او در آنجا شاگرد «آناهلبرین» یکی از بنیانگذاران کارگاه رقص در آمریکا بود. سپس در سال ۱۹۶۳ گروه «نان و تئاتر عروسکی» را بنیان نهاد.

عبارت «تئاتر عروسکی» در وهله‌ی نخست یادآور عروسک‌های دستکشی، میله‌ای، با تومی و ... می‌باشد. اما عروسک‌ها فقط بخشی از تئاتری هستند که «شومان» به وجود آورده است.

بسیاری می‌پرسند چرا نام «نان و تئاتر عروسکی» را برای گروه انتخاب کرده است؟ شومان معتقد بود که هنر نمایش همچون «نان» یکی از نیازهای اصلی مردم جهان است؛ انسانی که درگیر سرعت و تکنولوژی پیرامون خود است، دیگر فرصتی برای تفکر و آسایش روح و روان ندارد؛ پس باید جایی هر چند کوتاه و فشرده را برای او بوجود آورد تا او به آرامش برسد و نگاهی به درون خود بیفکند و چه جایی بهتر از محل اجرای نمایش.

«شومان» تماشاگرانی را مد نظر داشت که به تئاتر نمی‌روند. او از محبوبیتی که در میان تماشاگران با فرهنگ تئاتر رو، و نیز تندرتهای سیاسی به دست می‌آورد به راستی ناراحت به نظر می‌رسید. او و گروهش نمی‌خواستند برای قشر تئاتر رو برنامه اجرا کنند، بلکه می‌خواستند مخاطبان آدم‌هایی باشند که سرکار خود می‌روند، کارهای روزمره‌ی خود را انجام می‌دهند، یا خانواده‌هایی که ساعتی به پارک آمده‌اند تا استراحت کنند و... بنابراین شومان و گروهش حتی در خیابان‌ها، پارک‌ها، باغ‌ها و جنگل‌ها نیز نمایش

اگر نیم نگاهی به تاریخ تئاتر جهان بیاندازیم، خواهیم دید که آنچه با نام «هنر نمایش» در دست ما می‌باشد، نتیجه سالیان سال تلاش مردانی است که با خون دل کار کرده‌اند و ماحصل تجربیات آنهاست که هنری با نام «هنر نمایش» را در شیوه و درونمایه موجب شده است. حتی بسیاری از گروه‌ها در کشورهای گوناگون که پس از سالیان کار صحنه‌ای به بن‌بست رسیده‌اند، در روش خود تجدید نظر کرده و به راه‌گذشتگان برگشتند. «پیترووک» که در سال ۱۹۷۶ فضای کارهایش را تهی کرد و کار خود را بر بازیگری استوار کرد، از این دسته است.

می‌بینیم که تمام تمرین‌های بازیگران بزرگ از پدر هنر احساس، استانیسلاوسکی به یادگار مانده است. وقتی که کتاب «زندگی من در هنر» این بزرگ را می‌خوانیم، می‌بینیم که این هنرمند چگونه این تمرین‌های ساده را با زحمت بسیار یافته و ثبت کرده است.

اگر کسانی چون استانیسلاوسکی، میرهولد، واکتاکوف، آدلف آپل، کوبک، تیروف و پدر تئاتر مدرن فرانسه کوبو، واینهاوت، پیکاتور و یادرام نویسن بزرگ آلمان پوتولت پشت و ... نبودند، تئاتر این نبود که امروز می‌باشد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تئاتر «هنر تجربه» است، عرصه‌ی تئاتر، عرصه‌ی تجربه کردن و یاد گرفتن است، چیزی که امروزه شاید در بعضی کشورها، همچون کشور ما یافت نمی‌شود.

اتکا به هنر معاصر و دست یازیدن به تجربیات گذشته و پویا و بارور کردن آن به شیوه‌ی جدید. این است دستاورد تئاتر معاصر جهان، که «پرووک» همواره در پی آن است. پیترووک با اتکا به تجربیات جدید خود و گروهش و با نگاه و کار کردن بر روی افسانه‌ها و داستان‌های گذشته آنها را زنده و پویا می‌کند و می‌بینیم که کارهایش نیز بعدی نمایشی و هنری پیدا می‌کنند و در جهان مطرح می‌گردند.

با این مقدمه بی‌راه ندیدیم که با تمسک به منابع هر چند ناچیز در ایران به بررسی گروهی پردازم که در ایران نامش بسیار شنیده شده.

اجرا می کردند.

با ایجاد دسته‌های بزرگ و کوچک با ماسک‌ها و عروسک‌های عظیم الجثه به خیابان‌ها می آمدند و در میان ماشین‌ها و آدم‌ها به اجرای نمایش می پرداختند. گاهی از مردم خواهش می کردند که در اجرای نمایش آنها را یاری دهند و مردم نیز کم کم با آنان همراه می شدند، با بازیگران گپ می زدند و در اجرای مراسم با بازیگران یار می شدند.

گروه او همیشه مرکب از بازیگران عمدتاً غیر حرفه‌ای - از پانزده نفر تا یک صد نفر بود. آنها برای نمایش‌هایی که در محل‌های سرپوشیده اجرا می کردند، نفری یک دلار می گرفتند ولی نمایش‌های خیابانی آن‌ها مجانی بود. از نظر شومان «تئاتر جای داد و ستد نیست که ما پولی بپردازیم و در عوض چیزی دریافت کنیم» «شومان» طی یک اجرا یا پس از آن، نانی را که خود پخته بود، بخش می کرد. زیرا چنانکه خود به سادگی می گوید: «دل‌مان می خواهد می توانستیم مردم را تغذیه کنیم». آنها برای هر فضای ویژه‌ای یک نمایش اجرا می کردند. «شومان» فقط یک فضا را همیشه کنار می گذاشت و آن فضای «تئاتر سنتی» بود. در جایی نقل می کند:

«چنین فضایی زیادی راحت است، زیادی آشناست. سنت‌های این تئاتر ما را عصبانی می کند. مردم از نشستن بر صندلی‌ها در یک زمان خاص احساس خواب رفتگی در اعضای خود می کنند. این تئاتر واکنش‌های آنها را مشروط می سازد؛ اما هنگامی که شما فضایی را که در آن قرار گرفته‌اید مورد استفاده قرار می دهید از آن به تمامی بهره می گیرید، از پله‌ها، پنجره‌ها، خیابان‌ها و درها، تماشاگر دیگر مجال هرز رفتن ندارد. ما هر جایی که بتوانیم عروسک‌های خود را در آن جای دهیم نمایش می دهیم.»

مضامین کارهای شومان و گروهش مسایل خاص اجتماعی و حتی مسایل سیاسی همچون جنگ، صلح بشری، حقوق بشر و آزادی بود.

مضامین کارهای شومان و گروهش مسایل خاص اجتماعی و حتی مسایل سیاسی همچون جنگ، صلح بشری، حقوق بشر و آزادی بود.

از کارهای معروف این گروه می توان از «سویک رستاخیز خودمانی»، «آتش»، «به جهان نگاه کنیم»، و چندین کار خیابانی دیگر نام برد.

از کارهای جالب «پتر شومان» این بود که هر گاه بازیگران نان و عروسک به محلی می رسیدند او پس از جلب توجه جماعت، از داوطلبان می خواست تا در ساختن عروسک‌ها آنان را یاری دهند و

یا در اجرای آن مشارکت داشته باشند. سپس به یاری بسیاری از داوطلبان، نمایشی را حول محور بازیگران دائمی نان و تئاتر عروسکی شکل می داد. از این راه مردم محلی مستقیماً درگیر برپا کردن یک نمایش شکوهمند برای جامعه خود می شدند. این نمایش ممکن بود یک راهیمایی برای صلح باشد یا یک تظاهرات سیاسی یا جشنی برای بزرگداشت عید پاک یا جشن تولد مسیح و یا...

بنابراین می بینیم که شومان با این کار نمایش‌هایش را هر چه بیشتر به مردم نزدیک می کند و ارتباط تنگاتنگی را با آنها برقرار می نماید. به عبارتی او با این کار به مردم فرصت می دهد که با تئاتر «زندگی» کنند و خودشان با دست‌های خود سنگ بنای نمایش را برپا کنند.

فضای نمایش گروه نان و تئاتر عروسکی بسیار ساده و آماده بود. بازیگران با پیراهن و شلوارهای سفید و کتیف، باندهای نازک رنگی بر پیشانی و کلاه‌های جورواجور دیده می شدند. گویی این البسه‌ها را از بازار کهنه فروش‌ها خریده باشند. آنها به راحتی به خیابان‌ها می آمدند، طبل و ترومپت می نواختند و ماسک‌های غول آسا به چهره می زدند. بازیگران با ماسک‌های عجیب و غریب سنگ‌ها را در خیابان می ترسانند و به آنها تعظیم می کردند. مردم کم کم به آنان می پیوستند و تا آخر با آنها همراه می شدند

در سال ۱۹۷۳ «پتر شومان» قصد خود را برای پراکندن گروه خود اعلام کرد و بدین سان در سال ۱۹۷۴ گروه «نان و تئاتر عروسکی» پس از سیزده سال که طی آن اعتباری جهانی یافته و یک شکل تئاتری بی‌همتا همراه با بهره‌گیری فراوان از عروسک، موسیقی، سیرک و رقص بوجود آورده و از سوی منتقدان معروف به عنوان با ارزش‌ترین تئاتر تجربی آمریکا ستایش شده بود، از هم پاشید.

اما هر ساله در تابستان او گروهش را در مزرعه‌ی خویش در «ورمونت» - VERMONT - ایالات متحده جمع می کرد و نمایشی را برپا می داشت و تماشاگرانی را برای دیدن آن دعوت می کرد تا نمایش و جشن را ببینند. او همواره می گفت:

«دنای امروز جشن گرفتن را فراموش کرده است و ما باید آن را به او یادآوری کنیم، چرا که جوهر نمایش از جشن‌ها و مراسم‌های بزرگ نشأت گرفته است.»

SEE THE WORLD



THE Bread and PUPPET THEATER

